

**نگاه روز**

**سفر سرزده ترامپ به عراق و اهداف اعلام نشده**



**احمد کاظم‌زاده:** دونالد ترامپ پنجشنبه شب با سفری اعلام نشده به عراق بنا نظامیان این کشور در پایگاه نظامی الاسد دیدار کرد. این سفر با واکنش‌های گسترده‌ای در آمریکا و عراق مواجه شده است. مخالفان و رقبای ترامپ این سفر را تبلیغات زودهنگام انتخاباتی تعبیر کردند. البته این تعبیر چندان هم اشتباه نیست، چرا که ترامپ هنگام امضای کلاه‌های آهنیای قرمز رنگ به نظامیان آمریکایی روی آنها ۲۰۲۰ را نوشت که منظور اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال است. بعد از شوکی که در جریان انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره بر جمهوری خواهان و شخص ترامپ وارد شد و به دست دادن مجلس نمایندگان از سوی آنجا انجامید، این نگرانی وجود داشت که تعطیلی دولت آمریکا که به قطع حقوق نزدیک به ۸۰۰ هزار کارمند دولت آن هم در آستانه کریسمس و سال نو مسیحی منجر شده است به کاهش محبوبیت ترامپ و جمهوری خواهان بینجامد، لذا ترامپ یک برگه جدید رو کرد و خواستار خروج همزمان نیروهای آمریکایی از سوریه و افغانستان شد تا از این طریق بتواند جایگاه و پایگاه خود را در میان نظامیان و خانواده‌های آنها حفظ کند اما از آنجا که این اقدام به استغای جیمز متیس، وزیر دفاع انجامید که محبوبیت بالایی در میان نظامیان و هر حزب جمهوری خواه و دموکرات برخوردار است، لذا ترامپ به توصیه بولتون دیدار سرزده از پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و آلمان را در دستور کار قرار داد اما این دیدار نه تنها در آمریکا، بلکه در عراق نیز جنجال برپا کرد. همچنان که از قرآن و شواهد برمی آید

**گروه بین الملل:** محمدبن سلمان وزیر خارجه خود را نیز برکنار کرد. این اقدام ولیعهد سعودی در حالی رخ می‌دهد که با توجه به موج نخست تغییرات در این کشور پس از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی، عملاً فشارهای بین المللی بر ریاض کاهش نیافته بود و حتی نگرانی‌های بین‌المللی از ابعاد گسترده جنگ یمن وارد مرحله جدیدی شده بود. بن سلمان عملاً با این تغییرات که موج دوم تغییرات او بعد از رسوایی قتل خاشقجی به شمار می‌رود تلاش می‌کند به جامعه جهانی نشان دهد تغییراتی در این کشور رخ داده است. نباید از نظر دور داشت که این تغییرات پس از سلاخی جمال خاشقجی در اکتبر ۲۰۱۸ گذشته در گام نخست در دستگاه امنیتی عربستان رخ داده دستگاهی که نزدیکترین ارتباط را با بن سلمان داشت و اعضای آن نخستین قربانیان قتل جمال خاشقجی در دستگاه حاکمه سعودی بودند، آن هم برای آنکه بن سلمان بتواند وجهه خود را ترمیم کند و اکتون که به این خواسته خود به دلیل حجم وسیع آبروریزی جهانی نرسیده است، عادل الجبیر را به قربانگاه فرستاد. موج نخست تغییرات در عربستان سعودی بسیار محدود بود اما افسراد خاصی چون سرلشکر «احمد العسیری» نایب‌رئیس استخبارات و «سعود القحطانی» مشاور پیشین کاخ پادشاهی را شامل شد. العسیری از آن جهت اهمیت ویژه‌ای دارد که پیش تر سخنگوی جنگ یمن بود و مناسباتش با بن سلمان ابعاد گسترده‌ای داشت. رسانه‌های منطقه و جهان درباره این تغییرات تحلیل‌های متنوعی دارند اما جملگی بر این موضوع توافق دارند که بن سلمان با این رفتارها خود را به قدرت غیرقابل رقابت در ساختار سعودی مبدل کرده است و مراحل رسیدن به تخت تاج و تخت در سرزمین حجاز را در افاق اقدامات خود می‌بیند. باید تاکید کرد بن سلمان طی سال‌های گذشته تمام سیاست‌های منطقه‌ای که پیش گرفته، با شکست مواجه شده است. عملاً سرمایه‌گذاری او در سوریه و یمن با شکست سنگینی همراه بوده و سناریوی که برای قطر در پیش گرفت، نه تنها به انزوی دوچه منجر نشد، بلکه ساختار شورای همکاری خلیج فارس را در چالش کشید. اما چرا بن سلمان، جبیر را که از سال

**عادل الجبیر قربانی موج دوم تغییرات نمایشی بن سلمان پس از رسوایی قتل خاشقجی شد**

**دستمال**



طی خواهد شد. می‌توان تغییرات بن سلمان را نمادین تفسیر کرد، چرا که در واقع عربستان سعودی سعی دارد به جهان نشان دهد تغییراتی در این کشور رخ داده است. تغییرات فوق بار دیگر قدرت‌طلبی بن سلمان را آشکار می‌کند، چرا که افرادی که با او در جبهه مخالف سیاسی هستند، بار دیگر به انزوا رفته‌اند. برای نمونه می‌توان به «متعب بن عبدالله» فرزند «ملک عبدالله» پادشاه سابق اشاره کرد. به هر حال تغییرات سیاسی، ظاهری و فاقد ارزش است اما تغییرات امنیتی بویژه تغییرات در گارد ملی که به موازات ارتش است و از ناحیه آن احساس خطر می‌شود و از حیث نظری به مثابه یازوی کوبنده معارضان و شاخه فرزندان ملک عبدالله، پادشاه سابق و متحدان‌شان توصیف می‌شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد انتصاب مشاور امنیت ملی جدید و بازنگری در ساختار دستگاه اطلاعاتی از سوی کمیته رهبری ولیعهد سعودی با هدف سلطه قوی‌تر بن سلمان و بستن هر روزنه خطرناک برای حکومت وی با بلندپروازی‌هایش است. در

۲۰۱۵ به عنوان وزیر خارجه عربستان مشغول به کار بود برکنار کرده است، این سوالی است که تحلیلگران برای پاسخ به آن اتفاق نظر دارند، از یک سو جبیر انطور که یک وزیر خارجه مورد اعتماد باید همواره کنار ولیعهد باشد در جلسات خصوصی بن سلمان شرکت داده نمی‌شد و از سوی دیگر نتوانست آنچه را پس از قتل خاشقجی در کنسولگری عربستان در استانبول شکل گرفت، انطور که بن سلمان انتظار داشت مدیریت کند. تنبیه جبیر، برکناری و پایین آوردن سطحش بود، زیرا نتوانسته بود نظر بن سلمان و مراحل رسیدن به تخت تاج و تخت در سرزمین حجاز را در افاق اقدامات خود می‌بیند. باید تاکید کرد بن سلمان طی سال‌های گذشته تمام سیاست‌های منطقه‌ای که پیش گرفته، با شکست مواجه شده است. عملاً سرمایه‌گذاری او در سوریه و یمن با شکست سنگینی همراه بوده و سناریوی که برای قطر در پیش گرفت، نه تنها به انزوی دوچه منجر نشد، بلکه ساختار شورای همکاری خلیج فارس را در چالش کشید. اما چرا بن سلمان، جبیر را که از سال

ظاهر مهم‌ترین تغییر برکناری عادل الجبیر است اما برکناری «ترکی آل‌الشیخ» شخصیت جنجالی از ریاست سازمان ورزش و انتقال وی به سازمان رفاه از جمله مسائلی است که نباید آن را از نظر دور داشت. البته تغییرات مهم‌تر در مناصب امنیتی اتفاق افتاد و به‌طور خاص تعیین «شاهزاده عبدالله بن بندر بن عبدالعزیز» به عنوان وزیر گارد ملی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ نباید از نظر دور داشت که گارد ملی به منزله ارتش موازی در عربستان به شمار می‌رود. همچنین مساعد «بن محمد العیاب» به عنوان مشاور امنیت ملی و «خالد بن فرار الحربی» به عنوان مدیر امنیت ملی منصوب شدند و شاهزاده «محمد بن یوسف بن عبدالعزیز» از مقام خود به عنوان سفیر عربستان در لندن برکنار شد و به عنوان مشاور در دفتر پادشاه منصوب شد. تمام این مسائل در حالی است بن سلمان چهره خود را به عنوان سلاخ خاشقجی نتوانست انطور که باید طی اکتبر گذشته تاکنون ترمیم کند و حالا مجبور شده دست به این سلسله تغییرات نمادین بزند.

**امارات و بحرین سفارت‌های شان در دمشق را بازگشایی کردند**

**اهتزاز پرچم سوریه در منبج**

عادل الجبیر از وزارت خارجه سعودی که همواره جمله مشهورش این بود که اسد باید یا با زور یا مسالمت‌آمیز حاکمیت را ترک کند، مقدمه‌ای برای تغییر رویکرد سیاست ریاض در قبال نظام بشار اسد است. چنین بازگشت‌هایی از سر پشیمانی شماری از کشورهای عربی به سوریه، پس از آن پدیدار می‌شود که ارتش سوریه با برخورداری از حمایت‌های محور مقاومت، تمام توطئه‌ها را برای تخریب و تجزیه این کشور را خنثی کرد؛ همچنان که این ارتش پس از خروج مفتضحانه آمریکا از سوریه، تلاش می‌کند کنترل مناطق تحت اشغال شورشیان مورد حمایت واشنگتن را به دست بگیرد که مویذ آن ورود نیروهای دولتی سوریه به شهر منبج در حومه شمال شرقی حلب و برفراشته شدن پرچم سوریه در این منطقه در روز جمعه بوده است. طبق این گزارش، ارتش سوریه از ورود به شهر منبج در حومه شمال شرق حلب و برفراشته شدن پرچم سوریه در این منطقه

**گروه بین الملل:** سوریه این‌روزها تیترا اصلی روزنامه‌ها و خبر مهم شبکه‌های خبری شده است، از این جهت که پای هیات‌های دیپلماتیک نظار می‌رود سال ۲۰۱۹ سال همگرایی بیشتر کشورهای عربی با دمشق و بازگشت روابط آنها به دوران قبل از جنگ باشد. روز پنجشنبه ۳ آشنکرامی می‌کند در خصوص اهداف آمریکا از این اقدام، می‌توان گفت آمریکا در زمان اشغال عراق در زمان حاکمیت جمهوری خواهان به رهبری جرج بوش پسر در سال ۲۰۰۳، از عراق به عنوان ایالت پنجگوشم، خود یاد می‌کرد اما بعد از اینکه مشروعیت جنگ به دلیل یافت نشدن سلاح‌های کشتار جمعی مورد ادعایش زیر سوال رفت و عین حال خسارات و تلفات سنگینی متحمل شد که بحران اقتصادی را در داخل این کشور رقم زد، با تحمیل ۲ قرارداد امنیتی و استراتژیک در سال ۲۰۰۸ تصمیم به خروج نیروهای خود از عراق گرفت که در زمان بلاراک اوباما این تصمیم عملی شد. اما ظهور داعش این بهانه را به دست آمریکا داد که بتدریج نیروهای خود را به بنا به درخواست دولت این کشور برگرداند و در عین حال بر خلاف سال ۲۰۰۳ از نوعی مشروعیت بین‌المللی هم برخوردار باشد.

**گزارش**

**حمله موشکی به سفارت آمریکا در بغداد همزمان با سفر دزدانه ترامپ به عراق**  
**ترامپ: آمریکا دیگر نمی‌تواند پلیس جهان باشد**  
**اعتراض مقامات و گروه‌های عراقی به نحوه سفر ترامپ به این کشور**  
**گروه بین الملل:** دونالد ترامپ چهارشنبه شب به همراه همسرش به طور سرزده وارد پایگاه نظامی عین‌الاسد در استان الانبار در غرب عراق شده سفری که با استقبال هیچ مقام عراقی همراه نبود و حتی نخست‌وزیر این کشور نیز دیداری با وی صورت نداد. در همین حال، این سفر خارج از عرف دیپلماتیک با واکنش‌های گسترده عراقی‌ها مواجه شد و حتی منابع خبری اعلام کردند که همزمان با ورود ترامپ، حمله‌ای موشکی در منطقه الخضراء و نزدیک سفارت آمریکا در بغداد به وقوع پیوست. شکل مخفیانه و سرزده سفر به بغداد حتی توسط خود رئیس‌جمهوری آمریکا نیز تایید شد و در اظهاراتی گفت: «خیلی غم‌انگیز است که ۷ تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کنی اما برای رفتن به آنجا ناچار باشی سفر را تا این حد فوق‌العاده مخفیانه نگه داری و حتی هر کاری بکنی تا سالم به مقصد برسی».

رئیس‌جمهور آمریکا همچنین گفت: آمریکا دیگر نمی‌تواند پلیس جهان باشد. قدر مسلم آن است که سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و نقش آن در ایجاد تروریسم داعشی که برخی کشورهای منطقه را دچار خشونت و بی‌سامانی امنیتی کرده است، عامل نفرت ملت‌های این منطقه از آمریکایی‌هاست. از این‌رو برخی گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی در عراق واکنش‌های تندی به این سفر سرزده ترامپ نشان داده‌اند. فرانکسین پارلمانی «اصلاح والاعمار» به رهبری سیدعمر حکیم در بیانیه‌ای ورود ترامپ به پایگاه عین‌الاسد را نقض آشکار حاکمیت عراق دانست و خواستار نشست اضطراری پارلمان با حضور سیدعزیز رئیس ستاد مشترک ارتش عراق شد. فرانکسین «البناء» به رهبری هادی العامری نیز در بیانیه‌ای سفر ترامپ از نقض آشکار هنجارهای دیپلماتیک و «غیرقابل قبول» توصیف کرد و از دولت عراق خواست ضمن خودداری از دیدار با ترامپ، فوراً سفیر آمریکا در بغداد را اخراج کند. این دو فرانسکسیون پارلمانی اکثریت قاطع پارلمان عراق را در اختیار دارند. شماری از نمایندگان پارلمان عراق نیز سفر اعلام‌نشده ترامپ به عراق را اهانتی بزرگ به حاکمیت کشورشان دانستند و خواستار تشکیل نشست فوق‌العاده پارلمان برای بررسی آن شدند. سخنگوی «گردان‌های حزب‌الله عراق» نیز همزمان با سفر خارج از عرف رئیس‌جمهور آمریکا به عراق، گفت: مقاومت این کشور، آمریکا را به خروج نیروهایش از عراق وادار خواهد کرد. سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی النجباء نیز گفت: ترامپ باید بداند حاکمیت عراق با خون شهادیش به دست آمده است و کشور مقاومت وشهادت جای پایگاه‌های نظامی نمی‌تواند. افزونی بر این، منابع خبری اعلام کردند روسای قوای سه‌گانه عراق (نخست‌وزیر، رئیس‌جمهوری و رئیس پارلمان) درخواست ترامپ برای دیدار با او در پایگاه عین‌الاسد را رد کردند. سفر ۳ ساعته رئیس‌جمهور آمریکا به عراق یک هفته پس از آن انجام شد که ترامپ اعلام کرد نظمایان آمریکایی را از سوریه خارج می‌کند. طبق گزارش‌های زیادی از نیروهای نظامی آمریکا در روزهای اخیر پس از خروج از سوریه وارد منطقه کردستان عراق شده‌اند. تحلیلگران این تصمیم ترامپ را نشان‌دهنده شکست راهبرد آمریکا در سوریه می‌دانند.

**خبر**

**ویکتور اوربان: همه‌پرسی با موضوع مهاجران بر گزار کنید**



ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان که از سوی رهبران اروپایی به جهت سیاست‌های ضدمهاجرتی‌اش چند ماهی است تحت فشارهای شدید قرار دارد می‌گوید برای آنکه مساله مهاجران را حل کنیم بهتر است یک همه‌پرسی در سراسر قاره اروپا برگزار کنیم تا مردم اتحادیه بیابند و نظر خود را درباره آینده پذیرش مهاجران به صندوق‌های رای ببندازند. این در حالی است که دولت‌های راست‌گرا در جنوب اروپا اتحادیه‌ای را تشکیل داده‌اند که به طور ناخوشه با هدف مبارزه با مساله پذیرش مهاجران در پارلمان اروپا ایفای نقش می‌کند. وی می‌افزاید: من بیش از ۳۰ سال است در اروپا این جمله را می‌شنوم که ما مساله مشترکی میان کشورهای عضو نداریم اما در حال حاضر از لیبسون تا ولینوس شاهد آن هستیم که در هر انتخاباتی مساله مهاجران یک شرط اصلی برای رای‌دهندگان است. بیابیم و این موضوع را با یک همه‌پرسی کلی در سطح اروپا یکسره کنیم تا بدانیم شهروندان اروپایی از ما به عنوان سیاستمداران چه می‌خواهند. این سخنان را ویکتور اوربان در حالی عنوان کرد که در آلمان انگلار مرکل، صدراعظم و دولت تحت رهبری‌اش از موافقان مساله مهاجران است.

**گازتا پوروشا**

**لیخ والسا: پوتین مرد عاقلی است**

لیخ والسا، رئیس‌جمهوری سابق لهستان و برنده جایزه نوبل صلح در سال ۱۹۸۳، رهبران اروپایی را نسبت به مناسبات‌شان با مسکو مورد سوال قرار داد. والسا که در قالب یک گفت‌وگو صحبت می‌کرد گفت به نظر او ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه مردی عاقل است. او همچنین گفت روابطش در دوران ریاست‌جمهوری‌اش با پوریس بلتسین بسیار نزدیک و مملو از گفت‌وگوهای مشترک بوده است. والسا همچنین تاکید کرد روابط میان لهستان و روسیه در دوران او روند رو به وخامتی داشته است اما برای بهبود این مناسبات هنوز زمان زیادی وجود دارد. وی گفت: اگر ما مناسبات‌مان را قدرتمند و مانند گذشته نداشته باشیم کشور سومی از ما می‌تواند پول خوبی در هرگز در جهان حاکم نخواهد بود اما کاپیتالیسم خالص هم نمی‌تواند راه خوبی برای آینده باشد.

**ایزوستیا**

**روسیه مرزهای کریمه و اوکراین را فنس کشی می‌کند**

درگیری‌های پیش‌آمده میان روسیه و اوکراین تا جایی پیش رفته که این کشور مرزهای خود را با اوکراین در بخش شبه‌جزیره کریمه از ترس خرابکاری‌های احتمالی دولت پترو پوروشنکو فنس کشی خواهد کرد. این خبر را دولت روسیه در حالی به روزنامه‌های این کشور منتقل کرد که در آستانه سال ۲۰۱۹، پارلمان کریمه می‌گوید رفتارهای دولت اوکراین غیرقابل پیش‌بینی است و برای آنکه بتواند سطح امنیت را در این منطقه روسیه حفظ کند مجبور است به فنس کشی روی بیاورد؛ ۶۰ کیلومتر مرز مشترک میان روسیه و اوکراین در بخش کریمه وجود دارد که از سال ۲۰۱۵ تاکنون طرح‌های مختلف امنیتی برای آن در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد اوکراین علاقه‌مند است وارد یک نبرد تمام‌عیار با روسیه شود.

**کیوسک**

**فلوهادسانوپاتولو**

**رئیس‌جمهور برزیل صنایع را به غرب واگذار می‌کند**

رئیس‌جمهوری آینده برزیل که طی روزهای آینده قسم خواهد خورد، قرار است روند سیاسی در این کشور را تغییر دهد. او سنت‌ها را می‌شکند و روابط با آمریکا و کشورهای غربی در برزیل تقویت خواهد شد. این مساله سوال‌برانگیز است. آیا برزیل از بریکس بیرون خواهد رفت و روند فروش صنایع برزیلی به شرکت‌های آمریکایی در دوران جدید تقویت می‌شود؟ این در حالی است که شرکت هواپیماسازی برزیل قرار است به بوشینگ واگذار شود و ممکن است دیگر صنایع برزیلی هم در دوران بولسونارو به شرکت‌های آمریکایی و کانادایی به عنوان سرمایه‌گذاران خارجی واگذار شوند که این مهم با روندی که در گذشته در این کشور پیش می‌رفت، متفاوت است. دولت آینده برزیل برای اینکه بتواند تعهدات خود را انجام دهد نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی است و همواره نزدیکی به آمریکا یا روسیه برای دولت‌های این کشور یک جهت‌دهی بین‌المللی تعیین‌کننده بوده است. حال حاضر هم آمریکا برای توجیه ادامه حضور سوریه به عراق تقویت داعش در این مناطق خواهد بود که می‌تواند هم بهانه‌ای برای سرک کشیدن به این منطقه به آمریکا دهد و هم اینکه طعمه‌ای برای ترکیه برای درگیر کردن این کشور با سوریه و جدایی از روسیه در امور سوریه باشد.

**گلوبال تایمز**

**روابط چین و آمریکا در نسل جدید سیاستمداران**

مرگ جرج بوش پدر تنها پایان زندگی یک سیاستمدار آمریکایی نبود، او دورانی را در روابط چین و آمریکا پایه‌گذاری کرد که مرگش عملاً به این دوران پایان می‌دهد. بوش در دوران نیکسون و در سال ۱۹۷۳ علاقه‌مندی خود را به آنچه در چین رخ می‌دهد نشان داد. او و افراد نزدیکش دوستان خوبی در چین داشتند و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در این کشور انجام دادند. دوستان بوش کمترین تنش‌ها را با چین داشتند؛ این برخلاف سیاست‌های هیات حاکمه جدید آمریکاست که با جنگ ترفه‌ها و درگیری‌های سیاسی در حوزه نفوذ چین از جمله دریای چین جنوبی به دنبال تنش‌ساز کردن فضای بین‌المللی هستند. بحران‌هایی که می‌تواند روابط طرفین را با چالش‌های جدی روبه‌رو کند و ضرباتی را به این مناسبات بزند که نسل‌های بعدی همانند گذشتگان از آن متأثر شوند. تاکنون دیدارهای متفاوتی داشته است.